



یادداشت

از کدام حق و عدالت و حقوق کدام مردم می گوئید؟

صادق کار



اختلافات بر سر مذاکره یا جنگ میان اقلیت جنگ طلب و اکثریت طرفدار مذاکره در هفته های اخیر تشدید شده و دامنه اختلافات به مسائل دیگر هم کشانده شده است.

در اثر کشمکش هایی که بین طرفین رخ داده جناح مخالف مذاکره آشکارا تضعیف شده و معلوم گردیده که مخالفان مذاکره که لزوما همه ی آنان هم طرفدار جنگ نیستند، حداقل تا آنجا که قضیه مربوط به جنگ و صلح است در موضع ضعف مطلق قرار دارند و تنها در صورت به بنبست رسیدن روند مذاکرات است که می توانند موقعیت خود را تا حدودی احیا کنند.

در این میان اما جناح های حکومتی مخالف جنگ و طرفدار به نتیجه رساندن مذاکره با امریکا وقت را برای کشاندن دامنه نبرد به عرصه های دیگر مناسب تشخیص داده و برای خاک کردن پشت حریف مسائلی را پیش می کشند که با عملکرد خودشان نیز در تضاد است.

در هفته گذشته مسعود پزشکیان که در عدالت ستیزی خود و ایل و تبارش دستکمی از مدعیان عدالتخواهی و جنگ طلب رقیب خود ندارند، در یک سخنرانی کوتاه تبلیغاتی تلاش کرد در نقش کسی که مدافع عدالت و حق و حقوق مردم است برآمد نماید.

در اینکه او طرفدار مذاکره و سازش است و از فرصتی که پس از کشته شدن علی خامنه ای ایجاد شده برای برآمد خودش بعنوان رئیس جمهور بهره میگیرد تصور نمی کنم ایرادی به این کار او بتوان گرفت.

اما آنجا که از عدالت و حق و حقوق مردم و انتظارات مردم سخن می گوید اظهاراتش با کارنامه و عملکردش در تضاد قرار دارد. دولت پزشکیان نه تنها در گسترش بی عدالتی، فقر، پامال سازی حقوق اکثریت مردم از دولتهای محافظه کار هیچ دست کمی ندارد، بلکه با شتاب و بی رحمی به مراتب بیشتری از محافظه کاران عین سیاستهای آنها را پیش برده است.

دولت پزشکیان در واقع مانند سلف خود دولت برخاسته از آرای آزاد اکثریت مردم نیست. آرای ریخته شده به نام پزشکیان به رغم همه ی تبلیغات و حمایت علی خامنه ای از وی ظاهرا ۴۹ درصد بیشتر نبوده است. در



واقع پزشکیان بیش از آن که منتخب مردم باشد، رئیس جمهور بفرموده و بقول خودش مطیع و کارگزار سیاستها و آمال و آرزوهای رهبر بوده است.

مردم دولتها را بنا بر ادعاهایشان قضاوت نمی کنند. با عملکردشان قضاوت می کنند. عملکرد دولت پزشکیان تا زمانی که سایه خامنه‌ای روی سرش سنگینی می کرد، تداعی کننده دولتی سر سپرده به ولی فقیه است که فرمان های او را بدون چک و چانه به اجرا در می آورد بوده است. سیاستهای دولت پزشکیان از ابتدای تشکیل تا کنون یکسره در خدمت منافع سرمایه داران بزرگ حکومتی بوده است و به ضرر منافع، "حقوق اکثریت مردم و عدالت". این واقعیتی است که آمارهای مهندسی شده دولتی در زمینه های مختلف نیز عملکرد و ماهیت واقعی این دولت را هویدا می کنند.

گسترش پرشتاب فقر و فلاکت، تورم لجام گسیخته، افزایش بیکاری، وضعیت دارو و درمان، مسکن، افزایش جمعیت زیر خط فقر و فقر مطلق، وضعیت دستمزدهایی که روز به روز ارزش خود را بیشتر از دست می دهند، بیماری‌رانی که بخاطر نداشتن پول درمان و دارو جان می دهند. از میان برداشتن ته مانده قانون کار و تغییرات بی سابقه در قوانین کار و تامین اجتماعی به نفع سرمایه داران، افزایش بی سابقه فاصله طبقاتی، گسترش سرکوب و اختناق و اعدام، سرریز شدن زندانها از آزادیخواهان و حق طلبان، گسترش جنایت و نا امنی، فحشا، اعتیاد، قاچاق، فساد، با وجود چنین کارنامه غیر قابل انکاری، شرم آور و عین فریبکاری است که پزشکیان مدعی طرفداری از حق و حقوق مردم شود.

نخیر آقا نه شما و نه رقبایان هیچ کدام طرفدار حقوق مردم نیستید، این درست است که رقبای حکومتی شما نقش بیشتری در زمینه سرکوب و اختناق دارند، ولی در ارتباط با عدالت کارنامه های هر دوی شما به یک اندازه سیاه است. در مورد سرکوب ها شما و حامیان اصلاح طلبتان هم با آنها همراهی کردید و هم در مقابل کشتارها، اعدامها، پر کردن زندانها، سرکوب تشکلهای مدنی و سندیکایی سکوت مطلق پیشه کردید. شما براستی لیاقت رئیس جمهور شدن را هم نداشتید. چطور ممکن است رئیس جمهور یک کشور ۹۰ میلیونی، که در مقابل این همه جنایت هیچ اقدام و اعتراضی نکرده است و با این کارنامه سیاه سیاسی و اقتصادی مدعی طرفداری از حقوق مردم بشود؟ بیخودی مدال افتخار به خود ندهید. مردم آگاه و هوشیار آنقدر تجربه دارند که فریب ادعاهای کاذب شما ها را نخورند

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم !
متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد .

فقر و نابرابری - بخش دهم

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



نابرابری و فقر

برخی جوانب رابطه فقر و نابرابری چنین اند:

- نابرابری به فقر نسبی منجر می‌شود؛
- افزایش نابرابری درآمدی، صعود فقرا در نردبان اقتصادی را دشوار می‌کند و خطر گرفتار شدن آنان در "تله فقر" را افزایش می‌دهد؛
- نابرابری بر نرخ رشد اقتصادی اثر می‌گذارد و این نرخ برای کاهش فقر اهمیت بسیار زیادی دارد؛
- بنا بر گزارش بانک جهانی، اگر از اکنون تا سال 2030 رشد اقتصادی به گونه ای نباشد که فقیرترین اقشار جامعه بیش از دیگران از آن بهره‌مند شوند، نخستین هدف از اهداف هزاره برای توسعه پایدار (SDG)، یعنی ریشه‌کن کردن فقر شدید، محقق نخواهد شد. بنابراین، نابرابری هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم بر فقر اثر می‌گذارد.

2.5.3 سایر پیامدهای نابرابری

- سطح بالای نابرابری می‌تواند به بی‌ثباتی دولت منجر شود، زیرا در کشورهایی که نابرابری بیشتری دارند، اعتماد اجتماعی کمتر و میزان جرم و جنایت بیشتر است؛
- جوامع نابرابر با تنش بیشتری روبرو اند، شادکامی کمتری دارند و از سلامت روانی ضعیفتری برخوردارند؛
- نابرابری، مبارزه برای نجات سیاره ما از بحران تغییرات اقلیمی را نیز دشوارتر می‌کند. گزارشهای آکسفام نشان می‌دهند که میانگین ردپای کربنی ثروتمندترین 1% جمعیت جهان تا 175 برابر بیشتر از ردپای کربنی فقیرترین 10% جمعیت است؛

2.6 نقش دولت در کاهش نابرابری

امروزه دولت‌ها با یک انتخاب اساسی روبرو اند: انتخاب میان زندگی شرافتمندانه برای همه شهروندان یا تداوم ثروت افراطی برای گروهی بسیار کوچک. گفته می‌شود که بحران کنونی نابرابری، نتیجه مستقیم شکست



اخلاقی در حکمرانی و نظام بازار است؛ نظامی که به شمار اندکی از افراد اجازه می‌دهد ثروتهای هنگفت انباشته کنند، در حالی که توده‌های مردم در فقر باقی می‌مانند. یک چنین جامعه انحصاری و به شدت نابرابری ممکن است در کوتاه مدت پایدار و اجتناب ناپذیر به نظر برسد، اما در نهایت فرو خواهد پاشید. از این رو، آکسفام خواهان جایگزینی نظام کنونی با یک چارچوب اقتصادی جدید، یعنی "اقتصاد انسانی تر" است؛ اقتصادی که به رسمیت می‌شناسد عدالت و فراگیری اجتماعی نه نتیجه شکوفایی اقتصادی، بلکه علت آن اند.

2.7 اقدامات انجام‌شده برای مقابله با نابرابری درآمدی

دولت هند برای کاهش نابرابری درآمدی اقدامات گوناگونی انجام داده است:

- اجرای سیاست مالیاتی تصاعدی که در آن ثروتمندان مالیات بیشتری می‌پردازند؛
- اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمینهای مازاد پس از استقلال؛
- اجرای تدابیر مختلف تأمین اجتماعی، مانند مستمریها و توزیع غلات یارانه ای از طریق نظام توزیع عمومی (PDS) و موارد مشابه؛
- اجرای برنامه سه جانبه "جان دان - آدهار - موبایل (Jan Dhan-Aadhaar-Mobile)" با هدف پیشبرد راهبردی جامع برای شمول اجتماعی، توانمندسازی مالی و تأمین اجتماعی؛
- افزایش دوره ای حداقل دستمزدها؛
- ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی رایگان (هرچند این خدمات همچنان نیازمند بهبودهای قابل توجه اند).

2.8 مسیر پیش رو

برای مقابله با نابرابری، اتخاذ سیاست در سه حوزه زیر ضروری است:

- رشد فراگیر و گسترش اشتغال مولد؛
- بازتوزیع درآمدها و داراییها؛
- سیاستهای اقتصاد کلان حامی تهیدستان.

[جنگ کارگری](#)

[فقر و نابرابری - بخش نهم](#)



- [فقر و نابرابری - بخش هشتم](#)
- [فقر و نابرابری - بخش هفتم](#)
- [فقر و نابرابری - بخش ششم](#)
- [فقر و نابرابری - بخش پنجم](#)

**چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است! کمیته های همیاری
را در محل های کار و محالته تشکیل دهیم!**

تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم
بهبود فدایی



تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم
بخش پنجم

تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپای شرقی
توازن قوای طبقاتی و سرنوشت طبقه کارگر پس از سوسیالیسم دولتی

مقدمه

اروپای شرقی در قرن بیستم مسیری متفاوت از اروپای غربی و شمالی را تجربه کرد. اگر در غرب، سرمایه داری با فشار جنبش های کارگری به سوی دولت رفاه سوق داده شد، در اروپای شرقی بخش



عمده‌ای از کشورهای پس از جنگ جهانی دوم وارد ساختار «سوسیالیسم دولتی» شدند؛ نظامی که مالکیت خصوصی بزرگ را محدود کرد، صنایع را ملی نمود و اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده را جایگزین سرمایه‌داری کلاسیک ساخت.

اما تجربه اروپای شرقی دارای تناقضی بنیادین بود

طبقه کارگر از نظر رسمی «طبقه حاکم» معرفی می‌شد، اما در عمل، قدرت سیاسی عمدتاً در اختیار دستگاه حزبی و بوروکراسی دولتی قرار داشت. به همین دلیل، رابطه میان دولت، طبقه کارگر و نیروهای اجتماعی در این کشورها پیچیده و چندلایه بود.

پس از فروپاشی بلوک شرق در پایان دهه ۱۹۸۰ و آغاز دهه ۱۹۹۰، اروپای شرقی وارد مرحله‌ای از گذار به سرمایه‌داری شد که پیامدهای عمیقی برای ساختار طبقاتی، موقعیت طبقه کارگر و توازن قوای اجتماعی به همراه داشت.

۱. شکل‌گیری بلوک شرق؛ دولت سوسیالیستی و حذف بورژوازی سنتی

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهایمانند لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان و آلمان شرقی تحت حکومت‌های سوسیالیستی قرار گرفتند.

در این مرحله

صنایع بزرگ ملی شدند؛

مالکیت خصوصی گسترده محدود گردید؛

برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی برقرار شد؛

و طبقه بورژوازی سنتی عملاً قدرت اقتصادی و سیاسی خود را از دست داد.

دولت‌های سوسیالیستی تلاش کردند جامعه‌ای مبتنی بر اشتغال کامل، آموزش عمومی و خدمات اجتماعی گسترده ایجاد کنند.

طبقه کارگر صنعتی در این کشورها رشد چشمگیری یافت. صنعتی‌سازی سریع، مهاجرت روستاییان به شهرها و توسعه کارخانه‌های بزرگ، موجب گسترش کمی طبقه کارگر شد.

اما در عین حال، یک طبقه جدید نیز شکل گرفت
بوروکراسی حزبی و دولتی.



این بوروکراسی عملاً کنترل تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی را در اختیار داشت و همین مسئله به تدریج فاصله‌ای میان دولت و طبقه کارگر ایجاد کرد.

۲. وضعیت طبقه کارگر در نظام سوسیالیستی

در اروپای شرقی، طبقه کارگر از برخی حقوق اجتماعی گسترده برخوردار بود

اشتغال تضمین شده؛

آموزش و درمان رایگان؛

مسکن دولتی؛

و امنیت شغلی بالا.

در مقایسه با سرمایه‌داری کلاسیک، کارگران از امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار بودند و نابرابری اجتماعی محدودتر بود.

اما در سطح سیاسی، وضعیت پیچیده‌تر بود

اتحادیه‌های کارگری عمدتاً مستقل نبودند و در چهارچوب دولت و حزب فعالیت می‌کردند. بنابراین:

طبقه کارگر امکان محدودی برای نقد دولت داشت؛

اعتصاب‌ها اغلب سیاسی تلقی می‌شدند؛

و مشارکت واقعی کارگران در مدیریت اقتصادی محدود بود.

در نتیجه، اگرچه طبقه کارگر از نظر رسمی «صاحب دولت» محسوب می‌شد، اما در عمل، قدرت سیاسی متمرکز در اختیار ساختار حزبی قرار داشت.

۳. بحران مشروعیت و شورش‌های کارگری

از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مشکلات ساختاری اقتصادهای برنامه‌ریزی‌شده آشکارتر شد

کاهش بهره‌وری؛

کمبود کالاها؛



ضعف نوآوری صنعتی؛

و تمرکز شدید بوروکراتیک.

در همین زمان، بخشی از طبقه کارگر و روشنفکران به تدریج نسبت به ساختار سیاسی معترض شدند در مجارستان در سال ۱۹۵۶ و در چکسلواکی در ۱۹۶۸ اعتراضات گسترده‌ای شکل گرفت که خواهان «سوسیالیسم دموکراتیک‌تر» بودند.

مهم‌تر از همه، در لهستان جنبش کارگری مستقل «همبستگی» به رهبری لخ والسا شکل گرفت. این جنبش نشان داد که حتی در نظام‌های سوسیالیستی نیز طبقه کارگر می‌تواند در برابر دولت قرار گیرد. این اعتراضات نشانه شکاف فزاینده میان دولت‌های سوسیالیستی و پایگاه اجتماعی اولیه آنها بود.

۴. فروپاشی بلوک شرق؛ گذار به سرمایه‌داری

بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، دولت‌های سوسیالیستی اروپای شرقی فروپاشیدند و اقتصاد بازار جایگزین نظام برنامه‌ریزی‌شده شد.

این گذار، یکی از بزرگ‌ترین تحولات طبقاتی قرن بیستم بود.

در این مرحله:

صنایع دولتی خصوصی شدند؛

اقتصادها به بازار جهانی پیوستند؛

سرمایه‌داری مالی گسترش یافت؛

و طبقه جدیدی از سرمایه‌داران، الیگارش‌ها و مدیران خصوصی شکل گرفت.

اما پیامدهای اجتماعی این گذار بسیار سنگین بود.

طبقه کارگر که پیش‌تر از امنیت شغلی برخوردار بود، ناگهان با:

بیکاری گسترده؛

سقوط دستمزدها؛

فروپاشی خدمات اجتماعی؛



و ناامنی اقتصادی روبه‌رو شد.

در بسیاری از کشورها، بخش بزرگی از صنایع قدیمی تعطیل شدند و میلیون‌ها کارگر موقعیت اقتصادی خود را از دست دادند.

۵. تحولات کشورهای مختلف اروپای شرقی

الف) لهستان

لهستان یکی از مهم‌ترین مراکز مقاومت کارگری در بلوک شرق بود. جنبش «همبستگی» نقش مهمی در فروپاشی حکومت سوسیالیستی داشت.

اما پس از گذار به سرمایه‌داری:

خصوصی‌سازی سریع اجرا شد؛

صنایع دولتی کوچک شدند؛

و بخشی از طبقه کارگر صنعتی تضعیف گردید.

در عین حال، پیوستن به اتحادیه اروپا موجب رشد اقتصادی و شکل‌گیری طبقه متوسط جدید شد

ب) چک و اسلواکی

پس از فروپاشی چکسلواکی، این کشورها مسیر نسبتاً باثبات‌تری به سوی اقتصاد بازار طی کردند.

در جمهوری چک، صنعتی‌سازی پیشرفته‌تر و نزدیکی به اروپای غربی موجب شد طبقه کارگر بخشی از موقعیت اقتصادی خود را حفظ کند.

اما در اسلواکی، وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی و صنایع مونتاژی، نوعی طبقه کارگر وابسته و کم‌قدرت‌تر ایجاد کرد.

ج) مجارستان



مجارستان از نخستین کشورهایی بود که اصلاحات بازار را آغاز کرد. در دهه‌های اخیر، ترکیبی از سرمایه‌داری بازار و اقتدارگرایی سیاسی شکل گرفته است.

در این کشور

اتحادیه‌ها تضعیف شدند؛

سرمایه خارجی نقش مهمی در اقتصاد پیدا کرد؛

و بخشی از طبقه کارگر به نیروهای ملی‌گرا و محافظه‌کار گرایش یافت.

(د) رومانی و بلغارستان

گذار به سرمایه‌داری در این کشورها با بحران‌های عمیق اقتصادی همراه بود.

خصوصی‌سازی اغلب به فساد گسترده انجامید؛

الیگارشی اقتصادی شکل گرفت؛

و بخش بزرگی از نیروی کار مهاجرت کرد.

در نتیجه، طبقه کارگر سنتی این کشورها تا حد زیادی متلاشی شد و اتحادیه‌ها نفوذ خود را از دست دادند

(ه) آلمان شرقی پس از اتحاد آلمان

پس از اتحاد دو آلمان، اقتصاد آلمان شرقی به سرعت در ساختار سرمایه‌داری غربی ادغام شد.

اما این فرایند پیامدهای مهمی داشت:

بسیاری از صنایع شرق تعطیل شدند؛

بیکاری گسترده افزایش یافت؛

و احساس حاشیه‌نشینی در میان بخش‌هایی از جامعه شکل گرفت.

این تجربه نشان داد که حتی در موفق‌ترین نمونه‌های ادغام اقتصادی نیز، طبقه کارگر شرق اروپا هزینه سنگینی پرداخت کرده است.

۶. وضعیت کنونی؛ طبقه کارگر پراکنده و بحران نمایندگی

امروزه در بخش بزرگی از اروپای شرقی:



اتحادیه‌های کارگری نسبت به گذشته ضعیف‌ترند؛ سرمایه خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ و بخش مهمی از نیروی کار در اقتصادهای کم‌دستمزد فعالیت می‌کند. بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به مراکز تولید ارزان برای شرکت‌های اروپای غربی تبدیل شده‌اند. در عین حال: مهاجرت گسترده نیروی کار به غرب اروپا ادامه دارد؛ نابرابری اجتماعی افزایش یافته؛ و نیروهای راست‌گرا و ملی‌گرا رشد کرده‌اند. در چنین شرایطی، طبقه کارگر اغلب فاقد نمایندگی سیاسی مستقل و قدرتمند است.

نتیجه‌گیری

تجربه اروپای شرقی نشان می‌دهد که مسئله قدرت اجتماعی طبقه کارگر تنها به مالکیت دولتی یا حذف سرمایه‌داری کلاسیک محدود نمی‌شود. در نظام‌های سوسیالیستی اروپای شرقی، اگرچه نابرابری کاهش یافت و امنیت اجتماعی گسترش پیدا کرد، اما تمرکز قدرت در بوروکراسی حزبی موجب محدود شدن مشارکت مستقل طبقه کارگر شد.

پس از فروپاشی بلوک شرق، گذار سریع به سرمایه‌داری نه تنها به دموکراسی اقتصادی منجر نشد، بلکه در بسیاری از کشورها موجب تضعیف شدید طبقه کارگر، افزایش نابرابری و شکل‌گیری الیگارشی‌های اقتصادی شد.

امروز اروپای شرقی همچنان درگیر پیامدهای آن گذار تاریخی است؛ گذاری که ساختار طبقاتی، توازن قوای اجتماعی و موقعیت سیاسی طبقه کارگر را به شکلی بنیادین دگرگون کرد.

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی! انه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت ما از مبارزات تبعیض‌ستیزی حمایت و برای تحقق آن مبارزه‌هیم کنیم!



دولت مقصر اصلی گرانی و سرکوب مزدی است

صانع



یکی از اقتصادانها که تمایلات نئولیبرالی دارد از خروج بدون بازگشت ۳۰ میلیارد دلار از کشور خبر داد و افزود آمار این ارقام رسمی و تأیید شده است.

با این حال رسانه های کمی به آن پرداختند و هیچ مقام دولتی حتی به خودش زحمت نداد که چیزی در باره چگونگی این غارت کلان بقول خودشان از (بیت المال) بگوید. درست همانطور که در دولت روحانی اختلاس کلان دیگری توسط بانک های خصوصی و صندوق های قرض الحسنه ورشکسته از بیت المال پرداخت شد و صدای یکی دوتا اقتصاد دان مطلع از قضایا که آنها افشا کردند ره بجایی نبرد.

ین دو مورد تنها نوک کوه از غارتی هستند که در حکومت مدعی "عدل علی" رخ داده است. ابعاد واقعی این غارتگری ها بعد از سقوط این حکومت و افتادن اسناد محرمانه بدست مردم روشن خواهد شد.

همزمان با این افشاگری دولت برای چندمین بار طی دو سال اخیر قیمت نان را یک شبه دو برابر کرد. یکی از روزنامه ها از گران شدن شدید میوه ها خبر داد و نوشت خانواده ها برای خرید میوه مشکل دارند. بیش از ۳۶ هزار نفر از بازنشستگان نیز با امضای توماری نسبت به کاهش نیافتن قیمت ها با وجود کاهش نرخ دلار اعتراض و خواهان رسیدگی به وضعیت قیمت کالاها شدند. اما دو برابر شدن قیمت نان در هنگام آتش بس درست بعد از انتشار این تومار نشان داد که دولت خود نقش اصلی را در افزایش قیمت ها دارد و بنا ندارد در دوران صلح در سیاستهای اقتصادی خود تجدید نظر کند.

با آن ۳۰ میلیارد دلار سرازیر شده به حسابهای شخصی غارتگران و آقازادگان شان در کشورهای غربی، می شد از چند برابر شدن قیمت دارو و مرگ بیماران جلوگیری کرد، یارانه نان را تامین و مانع از سه برابر شدن قیمت نان شد، به بیکاران حقوق بیکاری داد، تورم را کنترل و مانع از افزایش پرشتاب قیمت کالاهای اساسی شد، صندوقی برای پشتیبانی از پرداخت منظم دستمزدها بوجود آورد و حقوق و دستمزدهای زیر خط بقا را ترمیم کرد.



در همین حال سه اعتصاب کارگری توسط کارگران ماشین سازی تبریز، نساجی سرچین در زنجان، کارکنان بخش درمان غرب کشور در اعتراض به تاخیر طولانی در پرداخت دستمزدها، پرداخت نکردن حق بیمه توسط کارفرمایان، قطع مزایای مزدی و خواست افزایش دستمزد انجام گرفت. انگیزه و منشا هر سه اعتصاب یکی است. با این وجود واکنش های دولت و کارفرمایان نسبت به این سه اعتراض، امتناع و تهدید معترضین بود. این برخورد نیز به نوبه خود بر تداوم مناسبات کنونی با کارگران بعد از جنگ تاکید دارد.

مدیریت کارخانه سرچین پس از سه ماه ندادن حقوق و حق بیمه و در واقع با گروگان گرفتن معیشت و سلامتی کارگران، دروازه کارخانه را به روی صدها کارگر که جرمشان درخواست دستمزدهای عقب افتاده شان بود بست و وزارت کار و مقامات دولتی با سکوت خود در قبال اعمال غیر قانونی و غیر انسانی روسای کارخانه عملاً بر این عمل صحنه نهادند.

حکومت و دولت ضد کارگری برآمده از آن در حالیکه با قصد قطع یارانه ها و تامین هزینه های خود زمینه را برای ترمز بردن قیمتها و به اوج رسیدن هزینه های زندگی برای اکثریت جمعیت کشور روز به روز طاقت فرساتر می کنند، دست سرمایه داران را برای تشدید مضاعف استثمار و ستم به کارگران و مزدبگیران کاملاً باز گذاشته اند. در حالی که قیمت نان برای چندمین بار افزایش یافته و بطور ناگهانی قیمت نان را که اصلی ترین منبع تغذیه مردم است دوبرابر می کنند، دستمزدهای کارگران را به جای افزایش متناسب با افزایش تورم کاهش می دهند و هزینه های زندگی را برای مزدبگیران شاغل و بازنشسته روز به روز بالا می برند. تا دزدی ها و غارتگری های رفقای شان را با خالی کردن سفره های مردم جبران نمایند

این اقدامات چندان به جنگ ربط ندارد. سالهاست که توسط حکومت تعقیب می شود و در زمان جنگ تشدید شده است. کما اینکه تعدادی از کارشناسان مستقل و عدالتخواه اقتصادی و سیاسی بارها گوشه هایی از این سیاست فقر و فلاکت آور را از جمله در براه انداختن شوک قیمتها توسط دولت شیاد و فاسد زشکیان و حامیان آنها را آشکار کرده اند.

انجام این اقدامات که تلاش می شود فریبکارانه به حساب جنگ گذاشته شود، در واقع ناشی از سیاستی است که می خواهد القا کند، رفاه مانع توسعه اقتصادی است و برای ایجاد توسعه باید مردم را تا میشود گرسنه نگه داشت. البته این دیدگاه شیادانه توجیهی برای فریب مردم و تداوم سیاستهای تا کنونی نیست. بهمین جهت اگر چه پایان یافتن جنگ و لغو تحریمها می تواند اندکی در کاهش هزینه ها فارغ از اراده حکومت نقش ایفا کند اما به نظر نمی رسد با پایان جنگ خطوط اصلی سیاست های اقتصادی و معیشتی حکومت که بر پایه فقیر سازی و بی حقوق کردن نیروی کار استوار است به سود اکثریت مردم فقر زده ستخوش تغییر و تحول شود. مگر اینکه خود مردم بویژه مزد بگیران با گسترش اعتراض و فشار حکومت را از قدرت خلع نموده یا مجبور به تغییر رویکردهای موجود نمایند. واقعیت این است که گردانندگان واقعی امورات مردم همان هایی هستند که ۳۰ میلیارد ارز را با تسهیلاتی که شرکای حکومتی شان در اختیارشان قرار داده بودند بدون اینکه آب از آب تکان بخورد و کسی بازداشت و محاکمه بشود از کشور خارج کردند.



حکم ۳ سال حبس تعلیقی و ۲ سال ممنوع‌الخروجی برای فعالان صنفی فرهنگی و کارگری اهواز در شعبه ۳ دادگاه انقلاب

شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز، احمد رضا نوچیان، محمد زمان کامروا، منیژه افشاری، مریم زلکی نژاد و کوثر ممبینی را به ۳ سال حبس تعلیقی و ۲ سال ممنوع‌الخروجی از کشور محکوم نموده است.



کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن!

جمعی از کارگران کارخانه قدیمی پشم‌بافی ایران برک رشت، در اعتراض به تداوم بحران‌های مدیریتی و عدم پاسخگویی مسئولان، در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. معترضان با اشاره به سابقه طولانی تولید در این واحد صنعتی، از افت شدید ظرفیت تولید و بلا تکلیفی طولانی‌مدت خود ابراز نگرانی کردند. خواسته‌ها و مطالبات اصلی تجمع‌کنندگان به شرح زیر است:

تعیین تکلیف فوری وضعیت شغلی و تضمین امنیت کاری کارگران با توجه به خطر تعطیلی کامل کارخانه.

پرداخت کامل و بدون تاخیر حقوق‌ها و مزایای معوقه‌ای که در ماه‌های گذشته به تعویق افتاده است.

تجدید نظر و حل مشکلات مربوط به رد نشدن حق بیمه تامین اجتماعی که بازنشستگی کارگران قدیمی را با چالش جدی مواجه کرده است.



احیای خطوط تولید کارخانه و تزریق نقدینگی برای جلوگیری از فروپاشی این واحد صنعتی با سابقه در استان گیلان.



وعده‌ها تو خالیه، سفره ما خالیه!

جمعی از پرستاران و کادر درمان کشور در اعتراض به بی‌توجهی مداوم مسئولان به مطالبات معیشتی و رفاهی خود، در مقابل ساختمان سازمان اداری و استخدامی کشور دست به تجمع زدند. معترضان با انتقاد شدید از فرسودگی شغلی، شیفت‌های اجباری سنگین و عدم تناسب دستمزدها با تورم، خواستار پاسخگویی صریح مقامات دولتی شدند. خواسته‌ها و مطالبات اصلی معترضان::

اجرای دقیق، کامل و بدون تبعیض قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و افزایش واقعی کارانه‌ها، اصلاح فرمول محاسبه اضافه کار و جایگزینی مبالغ ناچیز فعلی با ارقام منصفانه و متناسب با سختی کار، اجرای کامل قانون ارتقای بهره‌وری و برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب بالاتر برای بهبود وضعیت معیشتی، جذب نیروی انسانی جدید جهت کاهش فشار شدید، کاری، حذف شیفت‌های اجباری و پایان دادن به قراردادهای کوتاه‌مدت.. و شرکتی.



تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت مخابرات در مقابل ساختمان این شرکت در اصفهان معترضان مالکان عمده مخابرات، یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه پاسداران را مسئول این وضعیت می‌دانند و به عدم اجرای دستورالعمل‌های استخدامی معترض هستند.

خواسته‌ها و مطالبات اصلی تجمع‌کنندگان::

اجرای کامل و بدون تغییر آیین‌نامه استخدامی و رفاهی مصوب سال ، تسویه فوری تمام مطالبات معوقه و مزایای رفاهی پرداخت نشده، پایان دادن به بی‌توجهی سهام‌داران عمده نسبت به معیشت و حقوق قانونی کارکنان پیشین.۱۳۸۹.



تظاهرات خیابانی متعددی در روز یکشنبه ۷ تیر توسط بازنشستگان به جان آمده از ستمگری رژیم عدالت ستیز فاسد در بسیاری از شهرها از جمله کرمانشاه، رشت، تهران، دزفول، اصفهان، گرمسار، اهواز، سنندج، شوش و... برگزار شد. همه ی تظاهرات روز گذشته علاوه بر شعارهای صنفی شعارهای سیاسی با معنی بسیاری نیز داده شد. شعارهایی که گویای آگاهی سیاسی و اجتماعی و عمق اعتراض به حق بازنشستگان را بازتاب می دهد
برخی از شعارها:

**دولت بی لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم، نان گران، دارو گران، دولت شده دشمن جان
کارگر زندانی، آزاد باید گردد
معلم زندانی، آزاد باید گردد**

**نهادهای بی‌خاصیت حق ماها رو خوردن
با گرانی دارو، درمان شده درد ما
نهادهای بی‌خاصیت حق ماها رو خوردن**



معمای کاهش بی‌سابقه نرخ مشارکت اقتصادی/ زنان بسیاری به ناچار خانه‌نشین شدند!

در مقابل نرخ مشارکت اقتصادی زنان که تا سال گذشته عدد بسیار بد ۱۷ درصد بود، در طی یکسال با کاهش ۵ درصدی به میزان وحشتناک ۱۲ درصد رسیده که برای یک اقتصاد بزرگ یک فاجعه محسوب می‌شود.

جوانان بخش زیادی از نیروی کار بالقوه را که غیرفعال محسوب می‌شوند، تشکیل می‌دهند که تحصیل کرده و دارای مهارت‌های متوسط هستند. مزد این بخش از نیروی کار که عرضه آن به بازار کار زیاد است، بسیار کم



است. بسیاری از زنان تحصیل کرده کشور در این بخش دسته‌بندی می‌شوند که وضعیتی بسیار بغرنج دارند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، آمارهای پایان سال ۱۴۰۴ گویای آن است که با روندی از کاهش نرخ مشارکت اقتصادی (به زیر ۴۰ درصد برای اولین بار در سال‌های اخیر) مواجه هستیم و با نرخ مشارکت نزدیک به ۳۸ درصد، ایران در میان یکی از کشورهای با نرخ مشارکت اقتصادی بسیار پایین قرار گرفته است.

اینکه نرخ جمعیت غیر فعال کشور (۶۱ درصد) از چه طریق به امرار معاش می‌پردازند و لابد باری بر دوش سایر شاغلان کشور می‌شوند، خود یک وجه از معضل است، اما اینکه «انگیزه‌ها و علت غیرفعال بودن جمعیت غیرفعال اقتصادی (بیشتر در میان جوانان زیر ۳۰ سال، دانشجویان و از همه مهم‌تر زنان) چیست»، معضلی دیگر برای بازار کار کشور است.

نتایج کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در اقتصاد امروز ایران این است که همه روزه، جوانانی دیده می‌شوند که باوجود پایان تحصیل خود، هیچ شغلی متناسب با شان خودشان در بازار کار نمی‌یابند و به دستمزدهای زیر ۳۰ میلیون تومان لب‌خند تلخ می‌زنند؛ از سوی دیگر، زنانی را به ویژه در شهرستان‌های کوچک می‌بینیم که وقتی با پیشنهاد مزد ۱۰ میلیون تومانی مواجه می‌شوند، ترجیح می‌دهند که در منزل پدر یا شوهر به بیکاری و خانه‌داری ادامه دهند.

در این میان، اقتصاددانان و فعالان تشکلهای صنفی کارگری و کارفرمایی، هرکدام دیدگاه‌های مختلفی در این حوزه دارند. رکود اقتصادی دوره جنگ و پساجنگ، عدم کفایت مزد برای برخی گروه‌ها و فاصله نیازهای مهارتی بازار کار ایران با توان نیروی کار، عمدتاً از دلایل افزایش جمعیت غیرفعال اقتصادی شناخته می‌شود. هرچند جامعه‌شناسان به اقتضای شناخت واقعیت‌های اجتماعی دیگری مانند شکاف نسلی، انتظارات جدید از اشتغال و تبعیض جنسیتی در محیط کار، تبیین متفاوت‌تری از اقتصاددانان و اهالی تشکلهای صنفی نسبت به این موضوع دارند؛ اما آنچه اکنون بیش از هر چیز دیگری گریبان سیاستگذاران اشتغال کشور را گرفته، برون داد اطلاعات اقتصادی منتشر شده درباره وضعیت نیروی کار است. یکی از گزارش‌های نظرسنجی منتشر شده از سوی یکی از سکوه‌های اینترنتی مطرح شغل‌یابی که در اختیار خبرنگار ایلنا قرار گرفته، گویای آن است که وضعیت بازار کار و متقاضیان شغل در جریان جنگ اخیر تا چه میزان تغییر یافته است.

طبق این نظرسنجی در پلتفرم جاب‌ویژن، ۷۴ درصد کارجویان این مجموعه برای مدیریت حقوق دریافتی خود در قیاس با تورم، هزینه‌های زندگی خود را کاهش داده‌اند. نتایج نظرسنجی جدید جاب‌ویژن نشان می‌دهد فرصت‌های شغلی بیشتر و ثبات اقتصادی، مهم‌ترین نیازهای کارجویان برای عبور از شرایط اخیر است. در همین حال، بخش قابل توجهی از کارجویان برای مدیریت این شرایط، به کاهش هزینه‌های زندگی، جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید و یادگیری مهارت‌های کاربردی روی آورده‌اند.

براساس این نظرسنجی، ۶۶ درصد کارجویان، با انتقاد از کمبود مشاغل خوب، فرصت‌های شغلی بیشتر را یکی از مهم‌ترین نیازهای خود دانسته‌اند. ثبات اقتصادی نیز با همین میزان، در کنار فرصت‌های شغلی



بیشتر، پرتکرارترین نیاز کارجویان بوده است. پس از این دو گزینه، حمایت مالی یا وام با ۴۳ درصد در رتبه بعدی قرار دارد.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد اگرچه نیازهای اقتصادی همچنان در اولویت کارجویان قرار دارد، اما حمایت روانی و توجه به سلامت روان نیز برای بخشی از آن‌ها به یکی از نیازهای مهم در شرایط اخیر تبدیل شده است؛ ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، حمایت روانی و سلامت روان را یکی از نیازهای خود اعلام کرده‌اند. آموزش مهارت‌های کاربردی با ۲۳ درصد و دسترسی به اطلاعات و تحلیل بازار با ۱۴ درصد، دیگر نیازهایی هستند که از سوی پاسخ‌دهندگان انتخاب شده‌اند.

همچنین ۲۷ درصد از کارجویان، یادگیری مهارت جدید را یکی از مهم‌ترین راه‌های سازگاری با شرایط اخیر دانسته‌اند. اقدام برای مهاجرت و انجام پروژه‌های فریلنسری نیز به ترتیب با ۱۲ و ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند؛ این اطلاعات حاکی از آن است که اغلب کسانی که راغب به یافتن شغل هستند، میان توانایی‌ها و مهارت خود و واقعیت‌های اقتصادی بازار کار و فرصت‌های موجود، تناسبی نمی‌بینند!

کاهش مشارکت اقتصادی زنان از ۱۷ به ۱۲ درصد در یکسال «فاجعه» است!

کارشناسان اقتصادی البته وضعیت اشتغال در کشور را به گونه‌ای دیگر و با عمق متفاوتی بررسی می‌کنند. زهرا کریمی (استاد اقتصاد دانشگاه مازندران) با اشاره به اهمیت هر سه ضلع رونق و رکود، مزد و مزایا، و مهارت و شان نیروی کار، در ترغیب جمعیت غیرفعال به شاغل شدن، توضیح می‌دهد: بسیاری در ابتدا تصور می‌کنند با افزایش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی نیز افزایش می‌یابد چون نسبت به حجم بازار کار، جمعیت مشارکت کننده بیشتر می‌شود؛ در صورتی که این تصور درباره اقتصاد ایران صحیح نیست. نرخ مشارکت اقتصادی پایین با وجود این رکود سنگین، امکان افزایش ندارد و چه بسا باوجود مانعی به نام نرخ بیکاری، کاهش می‌یابد. در این اقتصاد کاملاً راکد، انگیزه افزایش نرخ مشارکت نیز وجود ندارد.

وی افزود: در زمستان سال ۱۴۰۴ در مقایسه با زمستان ۱۴۰۳ فرصت‌های شغلی کاهش داشتند. در دولت مرحوم رئیسی ادعا می‌شد که سالی یک میلیون شغل ایجاد می‌شود، در صورتی که در مجموع باوجود بیکارسازی‌ها شغلی ایجاد نشد. در مورد زنان، طی سه سال اخیر ۲۰۰ هزار کاهش فرصت شغلی داشتیم و برای مردان باوجود بیکارشدگان، در مجموع فقط ۱۰۰ هزار فرصت شغلی اضافه شده است.

کریمی اضافه کرد: اتفاقی که در سال ۱۴۰۴ افتاد این بود که علاوه بر جنگ تیرماه و شوک آن، بحث قطع برق و گاز بنگاه‌های اقتصادی و کاهش ظرفیت تولید بنگاه‌های اقتصادی را هم داشتیم. هم اکنون نیز به شهرک‌های صنعتی گفته شده که از آغاز تابستان باید یک روز کاری در هفته از برق استفاده نکنند و عملاً تعطیل باشند. قاعدتاً در چنین شرایطی، ظرفیت تولید صنعتی کشور افزایش نمی‌یابد. در نتیجه تقاضا برای نیروی کار جدید نیز افزایش نخواهد یافت.



این استاد دانشگاه مازندران ادامه داد: در بازار کار، اولین قربانی تعدیل، زنان شاغل هستند. در سال ۱۴۰۳ تا تعدیل نیروی کار به شکل گسترده در اولین موج خود شروع شد. بسیاری از بیمه‌شدگان اصلی از ۱۴۰۳ تا امروز بیکار شده‌اند که جمعیت خالص آن حداقل ۱۵۰ هزار نفر است. زنان بیکار شده در این سه موج که در این سه سال پی‌پی‌دی دیدیم، عمدتاً به زنان خانه‌دار بدل شدند. زن‌ها به صورت سنتی وقتی بیکار می‌شوند، در سیستم آماری کشور ذیل زن خانه‌دار یا دانشجو دسته‌بندی شده و از ذیل محاسبه نرخ بیکاری خارج می‌شوند و جمعیت انبوه غیرفعال اقتصادی که فاقد مشارکت اقتصادی هستند را افزایش می‌دهند؛ در مقابل اما مردان در زمان بیکاری حتی ناچار به دست‌فروشی، رانندگی یا هر کار دیگری برای گذران زندگی خانواده هستند و نمی‌توانند باوجود بیکاری «غیر فعال» محسوب شوند.

این کارشناس اقتصاد اشتغال تصریح کرد: علاوه بر همه این‌ها، بازار کار در بسیاری از حوزه‌های کشور به ویژه در استان‌های سنتی‌تر، به شدت مردانه است. بسیاری از بیکاران به دلیل جستجوی طولانی مدت شغل مناسب، عملاً به مرور ذیل جمعیت فاقد مشارکت اقتصادی دسته‌بندی شده و از آستانه بازار کار به عنوان بیکار خارج می‌شوند. وقتی نرخ مشارکت اقتصادی کاهش می‌یابد، یک روند ثابت رخ می‌دهد و آن این است که زنان و جوانان تحت عنوان جمعیت غیرفعال به‌عنوان دانشجو و خانه‌دار یا پشت کنکوری یا فرد در آستانه ازدواج، از جمعیت بیکار به جمعیت فاقد مشارکت اقتصادی (غیرفعال) تبدیل می‌شوند.

وی تأکید کرد: در واقع در محاسبه مشارکت اقتصادی، از مخرج کسر شما چیزی کم و زیاد نمی‌شود، اما با کوچک شدن صورت کسر، کل رقم مشارکت اقتصادی شما کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری با وجود این نرخ مشارکت اقتصادی، افزایش نشان نداده و واقعیت بازار کار را نشان نخواهد داد. در این میان مردان هر شغلی را به دلیل نان‌آور بودن، در این روزها می‌پذیرند. در مقابل نرخ مشارکت اقتصادی زنان که تا سال گذشته عدد بسیار بد ۱۷ درصد بود، در طی یکسال با کاهش ۵ درصدی به میزان وحشتناک ۱۲ درصد رسیده که برای یک اقتصاد بزرگ یک فاجعه محسوب می‌شود.

کریمی خاطر نشان کرد: تصور کنید در یک شهر کوچک، نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۲ درصد باشد و طبیعتاً می‌دانید که چنین شهرها یا بخش‌های کوچکی در کشور وجود دارند. اگر در آن شهر کارخانه تولید مواد غذایی ایجاد شود و اعلام شود فقط نیروی کار زن جذب می‌کنیم، هزاران نفر در برابر آن کارخانه صف می‌کشند؛ این درحالی است که بسیاری از آن‌ها قبلاً خانه‌دار حساب می‌شدند. در واقع چون در آمارها محسوب نمی‌شوند، در مقابل دیدگان ما هم قرار ندارند. این نشان می‌دهد که رکود باعث ناامیدی افراد در ورود به بازار کار می‌شود، اما همه این افراد غیرفعال ناامید، در صورت وجود فرصت شغلی در وضعیت رونق، فوراً شاغل می‌شوند. نرخ مشارکت در یک بازه طولانی مدت از ۴۶ درصد به ۲۸ درصد رسیده که مستقیماً ناشی از دوره طولانی رکود در اقتصاد ایران است.

این کارشناس اشتغال و بازار کار تشریح کرد: در بحث مهارت نیز، می‌توان آسیب‌شناسی قابل توجهی درباره اثر آن بر نرخ مشارکت اقتصادی داشت. برای جمعیت نیروی کار با سواد و مهارت متوسط در کشور، یک خلاء



جدی در بازار کار وجود دارد که باعث ناامیدی و تبدیل شدن از بیکار به «غیرفعال اقتصادی» می‌شود. از طرفی ما جمعیت بالای نیروی کار ساده و فاقد سواد کافی را داریم که همواره به دلیل سنتی بودن بسیاری از محیط‌های اقتصادی کشور، برایشان کار وجود دارد و تقاضای آن‌ها در بازار بیش از عرضه است. این موضوع برای نیروی کار بسیار ماهر و کاملاً باسواد نیز وجود دارد و جمعیت آنان نیز بسیار کم است و تقاضای آن بسیار بالاست. در این میان مشکل نیروی کار نیمه ماهر است که نه می‌تواند به راحتی مهاجرت کند و نه انتظاراتش به‌عنوان فرد تحصیل کرده که توانایی‌هایی هم دارد، با وضعیت بازار کار تناسب دارد. وی در پایان بیان کرد: جوانان بخش زیادی از نیروی کار بالقوه را که غیرفعال محسوب می‌شوند، تشکیل می‌دهند که تحصیل کرده و دارای مهارت‌های متوسط هستند. مزد این بخش از نیروی کار که عرضه آن به بازار کار زیاد است، بسیار کم است. بسیاری از زنان تحصیل کرده کشور در این بخش دسته‌بندی می‌شوند که وضعیتی بسیار بفرنج دارند. در مقابل مردان به دلیل فشار اقتصادی حاضر هستند که به مشاغل سطح پایین‌تر تن دهند. اما برای زنان و دختران این امکان نیست و همین مسئله، حجم انبوهی از جمعیت غیرفعال خلق کرده است!

گزارش: رضا اسدآبادی ،

متحد و متشکل علیه سیاست‌های ریاضت‌کشانه حکومت مبارزه باید کرد!
از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!
مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>